

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

خلاصه گزارش مطالعات موردی

”از بد، بدترش کردند“

تمرکز کونار در ساحات جنگی در ولایت های هلمند و ننگرهار



دیوید منسفیلد

حمل ۱۳۹۳



European Union

۱۲ سال
تحقیق باکیفیت



مترجم: خلیل احمد نوری

طرح و دیزاین: احمد سیر علمیار

کد نشریه: ۱۴۱۱D

© ۱۳۹۳، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بعضی از حقوق محفوظ است. این نشریه میتواند چاپ مجدد و تکثیر گردد، و یا در دستگاه های قابل بازیابی ذخیره، و یا به هر شکل و توسط هر وسیله یی، اعم از برقی، ضبطی و دیگر وسایل با ذکر مشخصات نویسنده و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انتقال گردد. هر گونه استفاده تجارتي و خرید و فروش آن مجاز نیست. هرگاه این نشریه چاپ مجدد و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (www.areu.org.af) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هر گونه استفاده که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه تحریری قبلی ناشر (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان) از آدرس سایت انترنتی areu@areu.org.af و یا تماس با شماره ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰)۰۹۳ بدست آید.

در مورد نویسنده

دیوید منسفیلد یک مشاور مستقل است که در مورد نقش کوکنار در زندگی روستایی در افغانستان را در هجده فصل پیهم کشت تحقیق کرده است.

سپاسگزاری:

انجام این تحقیق بدون زحمتکشی همکاران دفتر توسعه و تحقیقات پایدار (Sustainable Research and Development) امکان نداشت، همکارانی که به تحقیق در محل تحت شرایط دشوار روزافزون ادامه دادند. زحمات تیم همکاران در کابل و در محل ستودنی است.

حمایت تیم Alcis Ltd به ویژه ریچارد بریتون، تیم بوکلی، مات انجل و دلیپ واگ را نمیتوان نادیده گرفت. نقشه برداری و امکانات زمین شناسی که آنان در اختیار ما گذاشته اند، نه تنها در ظاهر نتایج تحقیق موثر بوده بلکه بخش اساسی تشخیص برای شناسایی محلات مناسب برای تحقیق و کاوش بیشتر یافته ها بوده است. اطلاعات بدست آمده از هر دو طریق، از راه دور و سروی ارائه کننده دید عمیقی از وضعیت توسعه در مناطق روستایی افغانستان است. ادغام هر دو روش در جریان تحقیق، برای معلومات بیشتر در مورد اینکه چرا اتفاقات مشخصی اتفاق میافتد، به کار برده شده است.

از گروهی از همکاران محترم به ترتیب سلطان محمد احمدی، راس بایلی، ریچارد بریتون، پیر آناود چووی، پاول فیشستین و غلام رسول بخاطر نظریات شان در مورد پیش نویس این گزارش سپاس گزاری میکنم، وقت و نظریات شان را ارج میگذارم و میخواهم اظهار نمایم که اجرای این تحقیق بدون نظریات بالرش آنان عملی نبود. همچنان از آن خانم ان بوکس باوم بخاطر حوصله مندی و مهارتش در ویرایش و ساده تر ساختن این گزارش تشکر میکنم. لازم به یاد آوریم که هرگونه اشتباهی در متن نهایی این گزارش، تقصیر نویسنده است.

در آخر، از کمیسیون اروپا و اداره امور خارجی و مشترک المنافع بریتانیا بخاطر ادامه حمایت و تحلیل شان در مورد استراتژی نقش کوکنار در زندگی روستایی در افغانستان سپاسگزاری باید کرد. بدون کمک مالی این دو نهاد برای این کار، درک ما از تفاوت های اجتماعی - اقتصادی، عوامل سیاسی و محیط زیستی، واقعیت ها در مناطق روستایی افغانستان، اثرات این فاکتور ها روی میزان کشت کوکنار با مشکل برمیخورد. که در ان صورت ما تنها اطلاعات آماری و متریک را در دست میداشتیم و که در مواقعی باعث تاخیر در پالیسی مذاکرات روی مبارزه با مواد مخدر میشود.

دیوید منسفیلد

می ۲۰۱۴

درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، مؤسسه مستقل پژوهشی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه پژوهش با کیفیت مرتبط به پالیسی و طرز العمل و انتشار نتایج حاصله از آنها جهت آگاهی دهی و تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون؛ و تقویت فرهنگ پژوهش و مطالعه میباشد. این اداره سعی مینماید تا با دخیل ساختن پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققین و دانش آموزان زمینه های استفاده از تحقیقات و کتابخانه این اداره را جهت تقویت ظرفیت پژوهشی آنان، و ایجاد فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و مباحث علمی در کشور فراهم سازد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۰۲ با همکاری موسسات امدادی فعال در افغانستان بوجود آمد که نماینده های آن متشکل از هیأت مدیره، تمویل کنندگان، ملل متحد و دیگر دفاتر و موسسات غیر دولتی می باشد. این واحد بیشتر از سوی دولت های فنلند، سوئد و سوئیس پشتیبانی مالی می شود.

در سال ۲۰۱۴ میلادی پروژه های مشخصی از سوی کمیسیون اروپا (EC)، اداره توسعه و همکاری سوئیس (SDC)، موسسه بین المللی برای توسعه (ODI)، برنامه انکشافی سازمان ملل متحد (UNDP)، پوهنتون آسیای مرکزی (UCA)، بانک جهانی، انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا (USIP)، همکاری های تکنیکی آلمان (GIZ) و سفارت فنلند تمویل میگردد.

این تحقیق با حمایت مالی اتحادیه اروپا صورت گرفته است. مسولیت محتوای این پژوهش به دوش AREU بوده و به هیچ صورت مواضع اتحادیه اروپا را منعکس نمی نماید.

میزان کشت محصولات مواد مخدر از دیر زمان بدینسو نشان دهنده موفقیت و ناکامی تلاش ها در امر مبارزه با مواد مخدر بوده است. با انهم اتکا بر این مشخصه، میتواند زمینه درک بهتر از پروسه حمایت اقتصادی- اجتماعی و سیاسی از کشاورزان به منظور دست کشیدن شان از کشت خشخاش را فراهم کند و همچنان در شناخت میزان محدود سهمگیری که در حال حاضر از سوی جامعه جهانی دولت جمهوری اسلامی افغانستان زیر نام "مبارزه با مواد مخدر" دسته بندی و هزینه شده است.

شواهد در هلمند و ننگرهار نشان میدهد که کشاورزان در افغانستان در صورتی که شرایط اجازه بدهد، میتوانند از کشت کوکنار دست بردارند^۱. اما انگیزه این گذار را نمیتوان به سادگی به مداخله ای که به عنوان "مبارزه با مواد مخدر" شناخته میشود، نسبت داد؛ تدارک محصولات زراعتی مثل دانه گندم و کود، خطر محو کشتزارها و رساندن اطلاعات در مورد ابعاد قانونی و اجتماعی تولید تریاک. در واقع، پروسه های اساسی دیگری اجتماعی- اقتصادی و سیاسی برای حمایت از کشاورزانی وجود دارد که میتوانند از دسته فعالیت های دست بردارند که در آن خشخاش نقش مهمی و چند بعدی دارد.

بر علاوه، برخلاف برخی حکایت های شایع، شواهد نشان میدهد که برخی از کشاورزانی که از کشت خشخاش دست کشیده اند، هیچ خسارتی را متقبل نشده و هیچگاهی به مقاومت خشونتبار در مقابل دولت به پا نه ایستاده اند. این دسته کشاورزان عمدتاً در نزدیکی مرکز ولایت موقعیت داشته و به عواید غیرزراعتی دسترسی نداشته اند. بلکه آنان در مقایسه به گذشته دسترسی بهتری به آموزش و پرورش و خدمات صحتی داشته اند. آنان به مارکیت پیشرفته دسترسی داشته چرا که موجودیت سرک پخته و امنیت بهتر در منطقه، وقت و مصرف سفر را کمتر ساخته و زمینه کار را برای مردم عادی و بخش خصوصی ساده تر کرده است. آنان همچنان محیط امن تری دارند و میتوانند تصمیم به سرمایه گذاری های متفاوت و درازمدت نسبت به گذشته بگیرند.

در چنین شرایطی، تدارک محصولات ابتدایی زراعتی مثل دانه گندم و کود کیمیایی، تفاوت اندکی را در چنین اجتماعاتی به میان آورده و درک بهتری از تولیدات باغبانی و اتکای رو به رشد روی عواید غیرزراعتی را بدست میدهد. بانک این کشاورزان با توصل به زور واداشته شدند تا از تولید تریاک دست بکشند، موقعیت نزدیک آنها به مرکز ولایت ظاهراً آنان را در معرض محو این کشت قرار داده و به ندرت محصولات شان از بین برده شده است.

در واقع، هیچ پروژه ی این کشاورزان را در مرحله گذار از کشت خشخاش کمک نکرده است. این تصمیم نشان دهنده یک رشته فاکتور ها شامل پروسه بزرگ تغییر است که مورد حمایت قرار گرفته و در برخی موارد از سوی سرمایه گذاران بزرگ در اقتصاد روستایی در یک دهه ی اخیر ایجاد شده است.

این تحقیق، روی اجتماعات روستایی با موقف و امتیازات بیشتری تمرکز نمیکند، بلکه روی جمعیتی متمرکز است که شرایط برای گذار از کشت کوکنار مساعد نشده و یا هم در برخی موارد وجود نداشته است. این گزارش نگاهی میافکند که آنانیکه خیلی وابسته به کشت کوکنار بوده، چگونه نه تنها به مبارزه با مواد مخدر رو آورده بلکه به پروژه دولت سازی در افغانستان و تکان های که اجتماع شان در معرض آن قرار گرفته، پاسخ مثبت داده اند. این گزارش نشان میدهد که ارتباط میان جنگ، ناامنی و تولید تریاک در مناطق روستایی افغانستان غیر قابل انکار است، چنانکه این مسئله بارها از سوی سازمان های کنترل مواد مخدر مثل داره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد (UNODC) مطرح شده است. این گزارش همچنان واضح میسازد که این ارتباط چگونه با واکنش دولت در برابر تولید تریاک و ناامنی اقتصادی که مردم روستایی که از آن و سیاست های دولت متاثر میشوند، شکل میگیرد.

این مطالعه در نتیجه تحقیق ژرف در دو منطقه جغرافیایی، جاییکه کشت خشخاش و شورشگری از چند سال بدینسو در آنجا حاکم بوده، ارتباط میان مواد مخدر و ناامنی را تصریح میکند؛ ولسوالی های جنوبی ولایت ننگرهار و مناطق شمالی نهر بغرا در هلمند. در سال ۲۰۱۳ کوکنار یگانه محصول کشاورزی در این دو منطقه بود، که سال به سال افزایش مییافت و زمین اندکی برای کشت مواد خوراکی اصلی باقی مانده بود. اما این دو سرگذشت متفاوتی از هم دارند. ولسوالی های جنوبی ولایت ننگرهار سابقه طولانی

۱ دیوید منسفیلد، "تمام شرط بندی ها منع اند! چشم انداز ها در مورد تخلف از موافقتنامه هاو کنترل مواد مخدر در هلمند و ننگرهار در دوره انتقال، دیوید منسفیلد" (کابل AREU ۲۰۱۳)؛ دیوید منسفیلد و پاول فیشستین "مسامحه و تغافل: مبارزه با مواد مخدر در روند انتقال" توضیح نامه، (کابل AREU ۲۰۱۳).

در کشت خشخاش دارند اما به گونه گسترده تولید تریاک را در بین سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ متوقف کردند. بخش اعظم مناطق شمال نهر بغرا در هلمند تا زمان تشکیل دولت حامد کرزی در سال ۲۰۰۲، دشت بود و تنها کمتر از یک هزار هکتار زمین زیر زرع قرار داشت و جمعیت اندکی از خانواده های که به دلیل خشکسالی از ولسوالی های واشیر و نوزاد در شمال فرار کرده بودند، در آنجا مستقر بودند.

عناصر مخالف دولت که عمدتاً طالبان بودند، در هر دو محل اما تحت شرایط متفاوتی "در حال مقاومت" بودند. در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار این گروه فعالانه با مردم محل تا اواخر سال ۲۰۱۰ مقاومت میکردند، با تفاوت اینکه در مناطق که قبلاً در هلمند دشت بودند، جمعیت آن ها تا سال ۲۰۰۸ به شکل پراکنده بود، که عمدتاً متشکل از کشاورزانی بود زیر قرض زمین قرار داشتند و به نحوی به عوامل سیاسی- نظامی وابسته به اداره محلی والی سابق شیر محمد آخندزاده وفادار بودند.

نتایج این تحقیق در هلمند و ننگرهار نشان میدهد که تلاش های مبارزه با مواد مخدر متوجه گروهی از جمعیتی بوده که منابع محدود و معیشت بدیل برای کشت کونار و کاهش در کشت آن در کوتاه مدت، در اختیار داشتند. اما پرسش اینست که به چه قیمتی؟ مدارک تجربی نشان میدهد که کاهش به شتاب در کشت کونار در هر دو منطقه منجر به ناامنی فزاینده اقتصادی برای یک جمعیت مشخصی شده است. در ننگرهار جمعیتی از مردم که از منع تولید تریاک متاثر شده اند، بیشتر در ولسوالی های جنوبی مستقر بوده اند، جایی که زمین کمتری وجود دارد ولی جمعیت مردم بزرگ است و عواید غیرزراعتی هم خیلی محدود است. در این محلات دولت سابقه حاکمیت مستقیم را نداشته و رابطه دولت و مردم خیلی ضعیف بوده است. در مقایسه، در هلمند ادامه منع تولید تریاک در منطقه کانال، از زمان اعلام آن از سوی گلاب منگل والی هلمند، تاثیر بزرگی روی افرادی بدون زمین گذاشت که گاه ناگاه با مشکل بزرگ اقتصادی دست و پنجه نرم کرده اند.

با فرصت های اندک اقتصادی و کمک های ناچیز به افراد بدون زمین، این گروه به نحوی به منع کشت رو آوردند که خود میدانستند. در ولسوالی های جنوبی ولایت ننگرهار، کشاورزان زیادی به کشت خشخاش دوباره رو آوردند و ساختارهای امنیتی دولتی را از دره های بالا و پایین بیرون راندند و به این ترتیب زمینه را برای نفوذ عناصر مخالف دولت در کابل فراهم کردند. تغییر دراماتیک وضعیت امنیتی در ولایت ننگرهار در سال ۲۰۱۳، در حالیکه دولت خود را در حال گفتگو با مردم برای دسترسی و تخریب حتی کوچکترین مقدار کونار یافت، تفاوت زیادی با ظاهر قدرت دولت در سراسر این ولایت در سال ۲۰۰۸ ندارد که از سوی گل آغا شیرزی والی آن وقت ننگرهار و حمایت ارتش امریکا بنا نهاده شده بود.

در هلمند، خانواده های بدون زمین به شمال نهر بغرا منتقل شدند و تلاشهای دولت را نفی کردند. آنان کار را به شکل سهم داشتن در حاصلات و کشاورز اجاره کار آغاز کردند به امید آنکه کشت کونار یگانه محصول زراعتی شان آنان را قادر به خرید یک قطعه زمینی بسازد که بتوانند حاصل "مورد حمایت" طالبان را کشت کنند. بانکه میزان پایین محصولات کشت کونار در سال ۲۰۱۳ برای بسیاری ها بدون سود بود، این اجتماعات مهاجر پذیرفتند که در دشت بمانند. آنانیکه اخیراً زمینی را برای بودو باش به دست آورده بودند، میگفتند که دشت، اکنون خانه آنان است و جای برای رفتن ندارند و آنانیکه در محصول سهم داشتند میگفتند تا زمانیکه کشت کونار منع باشد، در منطقه کانال زمین و خانه ی ندارند. چالش های اقتصادی ناشی از میزان پایین محصولات و گمانه زنی ها در مورد اینکه دولت و حامیان خارجی اش مسئول شیوع امراضی هستند که محصولات را تخریب کرده، حمایت از عوامل مخالف دولت و مخالفت با دولت را دشوار کرد.

بر اساس این مطالعه، مناسب نیست که کشت کونار را به عنوان یک عامل اعمال شورشگری و کاهش نفوذ قدرتمند دولت نادیده گرفت. در محلاتی که کشت خشخاش در آن متمرکز است، نمیتوان آن را به سادگی به شورشگری و حاکمیت طالبان نسبت داد. در عوض این تحقیق نشان دهنده فرصت های پیچیده، مختلط و متغیر سیاسی وابسته به گروه های محلی است. این مطالعه نشان میدهد جمعیتی که توازن قدرت را به سود خود شان به گونه فزاینده ی شکل میدهند: کشاورزانی که از کار در بخش های عامه و خدمات دولتی مثل صحت و آموزش و پرورش سود میبرند، در حالیکه در عین حال در تلاش ایجاد و حمایت از نوعی "بی نظمی" هستند که در چنین شرایطی کشت خشخاش میتواند رشد خوبی داشته باشد.

بناءً، بجای اینکه کشت کوکنار را به صورت خودکار به عنوان یک عامل شورشگری در افغانستان قلمداد کرد، مهم است که تا روی شرایط مشخص منع کشت آن نظری افگند، باید دید که این ممنوعیت چه تاثیری روی رفاه بخش های مختلف مردم به جا گذاشته و این ممنوعیت چه واکنش های داشته است که در واقع زمینه را برای جنگ های روزافزون و شورشگری در بخش های از کشور فراهم میکند. این مطالعه از هیچ کاری که در ساحات زیر کشت کوکنار در افغانستان حمایت نمیکند: بسیاری از کسانی را که کوکنار کشت کرده اند نمیتوان افراد ثروتمند نامید و به گونه صریح واجد کمک های توسعه ای هستند. در عین حال، شواهد از هر دو محل خواهان آن است تا روی میزان ممکن تاثیرات مثبت منع کشت کوکنار بالای گروه های مختلف اقتصادی-اجتماعی که خشخاش کشت کرده اند، توجه محتاطانه داشت.

خیلی معمول است که به حرف اعضای جامعه انکشافی گوش داد که "انجام کاری، همیشه بهتر از کاری نکردن است." این مطالعه نشان میدهد که این تنها مورد از این دست نیست.

نتیجه

تقریباً یک حرف معمول است که میگویند کشت کوکنار در مناطقی در افغانستان متمرکز است که همواره ناامن بوده و شورشگری در حد آخر آن وجود دارد. حقیقتاً این برداشت عمومی اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد و دولت جمهوری اسلامی افغانستان^۳ است، اما به یقین موضوع اصلی این نیست که پذیرفت بین این دو مسئله رابطه‌ی وجود دارد، بلکه مسئله اینست که این تا چگونگی رابطه‌ی را دریافت که بین کوکنار و ناامنی واقع است.

دید محافظه کارانه در مورد رابطه بین کشت کوکنار و عوامل مخالف دولت، بعد مالی آن است. برداشت اینست که مردم روستایی با ترغیب و حتی به زور مجبور به تولید تریاک میشوند و به این ترتیب طالبان عواید شان را از طریق اخذ مالیات از مردم روستایی افزایش میدهند. که به آن عَشْر میگویند: سیستم مالیاتی که در آن ده درصد محصول از سوی نمایندگان طالبان در تقریباً تمامی ولایات جنوبی و بخش های از ولایت های شرقی جمع آوری میشود.^۴ در چنین وضعیتی طالبان از این محصولات در برابر نیروهای دولتی که در تلاش تخریب مزارع هستند، محافظت میکنند. نتیجه اینست که کشت کوکنار سبب ناامنی میشود زیرا شورشگری را حد اقل تا حدی تمویل میکند.

آنانیکه موثریت تلاش ها برای کاهش کشت کوکنار در افغانستان را زیر سوال میبرند، نیز روی رابطه مالی میان عوامل مخالف دولت و کشت کوکنار تاکید میکنند. آنان استدلال میکنند که تخریب مزارع خود خشونت را افزایش داده، حمایت از شورشگری را تقویت میکند و حتی باعث افزایش مالیات از طریق بلند رفتن قیمت تریاک برای طالبان میشود.

عناصر واقعی در این مسئله موجود است، اما کار تجربی مثل این تحقیق نشان میدهد که رابطه عمیق تری میان کشت کوکنار و ناامنی وجود دارد. در یک مورد واضح است که رابطه مالی در حدی نزدیک نیست که گفته میشود و "مالیات" مردم روستایی توسط عوامل مخالف دولت در مقایسه به دید محافظه کارانه خیلی اندک سیستماتیک است. جدا از همه، عوامل مخالف دولت جدا از مردم نیستند. در حالیکه ممکن است شماری از عناصر خارجی از کشور و یا ولایت همسایه به مناطق روستایی آمده باشد، بسیاری از این مخالفان مردم محل و اقارب کشاورزانی هستند که کوکنار کشت میکنند و یا هم خود شان کشاورز هستند.

چنانکه این تحقیق نشان میدهد، در برخی از محلات ولسوالی های جنوبی ولایت ننگرهار، عوامل مخالف دولت یک جنبش متحد نه بلکه تشکلی از گروه های پراکنده و انفرادی هستند که با به کار گیری سیستم نهایت محلی جمع آوری مالیات برای نفوذ شان تلاش میکنند. این سیستم، سیستم جمع آوری مالیات داخلی دولت بریتانیا و اداره خدمات مالیات داخلی ایالات متحده آمریکا نیست که نظامی را برای جمع آوری مالیات در ولایت و منطقه پیاده کنند و نه مردم روستایی و نه هم جریان پرداخت مالیات شان مثل شهروندان آمریکا و بریتانیا، دقیق است. کشاورزان "هم آنچه را میپردازند که فراهم کرده اند تا حمایت اندکی بدست بیاورند و مانند بسیاری ها در کشور های غربی راه های را دریافت که عاید اصلی شان را پنهان کنند" امری که برای آنان مصرف شان بیشتر از تولید است در مقایسه به آنانی چک بانکی و یا هم رسید معاش دریافت میکنند، ساده تر است.

ندرتاً، عوامل مخالف دولت به جای اینکه بخشی از مردم محل، متکی به حمایت لوژستیک مردم باشند، دوست دارند به مشکلات اقتصادی اجتماعات محل پاسخگو باشند. به گونه مشخص، نیاز است تا بدانند که نباید در برابر نظام موجود در محل که متکی به حمایت آن هستند، ایستادگی کرد. به طور مثال، شامل ساختن معاش ملای محل در برداشت حاصلات آخری تصمیم مناسبی نخواهد بود، انهم در صورتی که عوامل مخالف دولت متکی به مالاها و حمایت آنان در خطبه نماز جمعه باشند و خود را مستحق جمع آوری پوست حیوانات در روز های عید بدانند و خواهان پول غیرقانونی از مردم محل باشند. در صورتیکه عوامل مخالف دولت خواستار حقوق مساوی یا بیشتر از مردم در مقایسه ملای محل باشند - یا به گونه درصدی از محصولات و هم معاش، چنانکه

۲ MCN/UNODC، سروی کشت کوکنار در افغانستان در سال ۲۰۱۳، ۸.

۳ "مبارزه افغانستان با مواد مخدر: شکستن پیوند بین قاچاقچیان مواد مخدر و شورشیان"، واشنگتن، DC: گزارش کمیته روابط خارجی، ایالات متحده آمریکا در مجلس سنا، دفتر چاپ دولت ایالات متحده، ۲۰۰۹، ۱۰؛ "اعتیاد، جرم و جنایت و شورش: تهدید های فراملی تریاک افغانستان"، (وین، UNODC، ۲۰۰۹)، ۲.

این موارد در اچین و خوگیانی اتفاق افتاده است، این امر سبب تحمیل مشکلات مالی سنگینی بالای کشاورزان محل میشود. اقدام برای کاهش معاش محدود از سوی کشاورزان برای عوامل مخالف دولت در شمال نهر بغرا در سال ۲۰۱۳، در پی یک سال کاهش میزان محصولات، نشان میدهد که یک جنبش از شورشیان در تلاش دستیابی به اولویت های مردمی بودند که در میان شان زندگی میکردند.

همچنان چالش های صریح کاری در رابطه به اطلاعاتی که با ما داده شده، همراه با این استدلال که یک دهم حصه محصولات به طالبان اختصاص داده شده، وجود داشته است. بر اساس نوشته کریستین نویل، ۱۹۷، از لحاظ تاریخی، عُشر به جای اصلاح کلی "مالیه" در افغانستان به کار برده میشده است. بناً نیاز است تا نحوه تفاوت میان پرداخت به نهاد های مختلف، در موقعیت های مختلف و همچنان مقدار و اساس پرداخت را متمایز ساخت. که این پرداخت نقد بودی یا طور دیگری؟ آیا درصدی از حاصلات اخیر است و یا مقدار مشخص بالای هر خانواده یا هر واحد زمین؟ آیا "قاعده" مشخصی وجود دارد که بر اساس آن کشاورزان در پایان هر فصل کشت به گونه خیریه یا کمک پول پرداخت کنند؟ و یا هم در صورت چنین مواردی در بسیاری از مناطق افغانستان، آیا عناصر در پرداخت به کار افتاده اند و یا خیر؟ اگر از کشاورز پرسیده شود که آیا به طالبان عُشر میپردازد و اگر پاسخ وی "بله" باشد، فرض بر اینکه این کشاورز ده درصد حاصلات آخر خود را پرداخته، اشتباه محض خواهد بود.^۴ نمیتوان انکار کرد که عوامل مخالف دولت از تولید تریاک و یا در واقع از تجارت آن مالیات میگیرند، بلکه همچنان میتوان گفت که علاقمندی آنان به کشت کوکنار به درآمد مالی آن و بیشتر از آن نیاز به حمایت از مردم محل برمیگردد.

این موضوع به مشکل دوم ربط میگیرد و تصویری از رابطه دوگانه میان کشت کوکنار و ناامنی ارائه میکند. اما سوال اینست که ناامنی کی راجع میکنیم و چه نوع ناامنی اتفاق میافتد. زمانی که اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد ناامنی را مطرح میکند و به دسته بندی اداره امنیت و مصونیت سازمان ملل متحد مراجعه میکند، آنان عمدتاً این مشکل را به ناامنی فزینگی و ساحاتی نسبت میدهند که نهاد های سازمان ملل متحد و موسسات غیردولتی به آن دسترسی نداشته باشند و یا هم دسترسی شان محدود باشد. آنان ناامنی را به امنیت اقتصادی مردم و ضرورتاً به میزان خشونت که مردم روستایی با آن مواجه اند، مربوط نمیدانند.

به گونه گسترده به نظر میرسد که برخی مردم کشت کوکنار را با اندک مقاومت و بدون هیچگونه توصل به شورش خشونتآمیز متوقف کرده اند، ممکن آنان پیشرفت رفاه، دسترسی بهتر به خدمات صحتی و آموزشی، تنوع در منبع عواید و کاشت محصولات را تجربه کرده اند که میتواند عاید خالص بیشتر نسبت به کشت کوکنار در جریان سال داشته باشد. اما کلاً مشهود است که دیگر جوامع روستایی از چنین امتیازاتی برخوردار نیستند.

آنانی که به گونه چشمگیری از منع موثر کشت کوکنار بی بهره مانده اند، از لحاظ جغرافیایی ممکن در ساحاتی متمرکز هستند که به منابع کمتری دسترسی دارند مثل ولسوالی های جنوبی ولایت ننگرهار و یا هم به دلیل چگونگی مالکیت زمین شان، به زمین و منابع دسترسی محدود دارند چنانکه این مورد در میان اجاره داران در هلمند مرکزی وجود دارد. در هر دو موارد از این دست مردم روستایی ناامنی اقتصادی ناشی از منع تولید تریاک را تجربه کرده اند، ممنوعیتی که آنان معتقد اند بخاطری که دولت و نیروی های بین المللی قدرت اجبار دارند و یا در ظاهر چنین قدرتی دارند که به واسطه آنان برای تخریب کشتزار به محلات آنان آمده اند، بالای آنان تحمیل شده است.

زمانی که کشاورزان به کشت کوکنار دوباره رو میاورند، به این معنی نیست که عوامل مخالف دولت خود را تحمیل میکنند و یا مردم را با ترغیب و یا هم به زور به تولید تریاک وامیدارند. بلکه کشاورزان کشت کوکنار را ضرورتی برای تامین امنیت اقتصادی شان میدانند و در صورتیکه آنان به اعمال مستقیماً خشونت آمیز متوسل شوند و یا خواهان حمایت دیگران برای بیرون راندن نیروهای دولتی از ساحه شوند، در آن صورت میتواند نسبتی به عوامل مخالف دولت داشته باشد. چنین مواردی، منع کشت کوکنار در نبود معیشت بدیل است که منجر به ناامنی میشود نه خود کشت کوکنار.

۴ کریستین نویل، "دولت و قبیله در قرن نوزدهم افغانستان: حکومت امیر دوست محمد خان (۱۸۲۶-۱۸۶۳)،" (ریچموند، UK: Curzon پرس، ۱۹۹۷)

۵ دیوید منسفیلد، "سیستم مالیه دهی در هلمند و ننگرهار،" (کابل: توضیح نامه ۷ نشر شده برای FCO، مارچ ۲۰۱۳).

۱ سروی خشخاش UNODC/MCN (کابل: اپریل ۲۰۱۳)، ۴۷.

به طور مثال، در ولسوالی اچین در جنوب ننگرهار، جمعیتی از مردم که در ابتدا زیر حمایت دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشت اما بعدتر تلاش های دولت سازی نخبگان روستایی را رد کرد، مردم در پی تاثیرات یکباره منع کشت کونکار و پس از اختلاف بر سر زمین، به تولید تریاک دوباره رو آوردند. ملکیت زمین های کوچک، تراکم جمعیت زیاد و فرصت های محدود عاید ناشی از فعالیت های غیرکشاورزی، کشت محصولات از سوی مردم را که تولید باز ده بالاتری نسبت به هر واحد زمین دارد، را متاثر میسازد.

از زمان سلاح برداشتن و رد حضور نیروهای دولتی، مشارکت جمعیت روستایی با دولت افغانستان بیشتر به نفع خود آنان بوده است؛ در چنین محلاتی خدمات صحتی و آموزشی ارائه میشود و اعضای بسیاری خانواده ها کارمند دولت جمهوری اسلامی افغانستان هستند و یا هم در چارچوب نیروهای امنیتی افغان کار میکنند. بانک، توازن قدرت اجبار با حضور رو به رشد عوامل مسلح مخالف دولت در ساحه، به مردم منتقل شده، در واقع، پیشرفت ها در هر دو ولسوالی اچین و خوگوبانی در سال ۲۰۱۳ به آمیختگی های سیاسی برمیگردد که در بسیاری مناطق زیر کشت کونکار در ننگرهار وجود دارد، جاییکه مردم، عوامل دولتی و غیردولتی راه را برای حضور بیشتر شان باز میکنند.

در هلمند، مردم تا حدی از آگاه بودن دولت افغانستان از انواع خشونت در منطقه زیر کنترل نهر با خبر هستند و مجبور هم نیستند به شورش مستقیم دست بزنند. به جای آن، آنانیکه به شدت از منع کشت کونکار متضرر شده اند، به ساحات قبلاً صحرایی در شمال بغرا تغییر مکان داده و در ساحات بدون کشت جابجا شده اند، جاییکه حتی به امکانات اولیه دسترسی ندارند. بسیاری از این افراد فکر میکنند که ناشی از سیاست های دولت، بیجا شده اند.

در مورد بسیاری افرادی که در ساحات زیر کنترل نهر زمین اجاره کرده اند، حقایقی زیادی مبنی بر این ادعا وجود دارد. زمانیکه تولید تریاک در Food Zone هلمند منع شد و محصولاتی با کار کمتری جاگزین آن شد، دیگر به افراد بدون زمین نیازی نبود. خیلی دشوار بود تا زمین یا خانه ی برای زندگی یافت، آنانی هم که خانه داشتند، نمیتوانستند ضروریات اولیه شان را با سهم اندک از کشت مشروع مثل گندم، جواری و لوبیا تامین کنند که در مقایسه با کونکار عایدی به مراتب کمتری داشتند. بر علاوه، بدیلی که از سوی دولت پیشنهاد شده بود، برای کسانی مناسب بود که صاحب زمین بودند و میکانیزمی که از سوی نخبگان روستا معرفی شده بود، زمینه دسترسی افراد بدون زمین به این خدمات را دشوار ساخته بود.

با توجه به این سناریو، افراد بدون زمین واقعا دیگر چه گزینه ی داشتند مگر این که به ارتباطات قبیله ای و قومی متوسل شوند و یا هم در جای دیگری دنبال زمین بروند؟ با نزدیکی زمین های قبلاً صحرایی در شمال نهر بغرا، روند ازقبل آغاز شده مسکن گزینی از سوی نخبگان سیاسی نظامی در منطقه کانال و ارتباطات قوی با اداره محلی، انتظار میرفت بسیاری ها جای خود را در صحرا میدانستند. آنان خود را قربانی هر دو سیاست دولت - توسعه و مبارزه با مواد مخدر - میدانستند که بعداً با حمله نیروهای پولیس محلی در سراسر نهر بغرا زیر نام مبارزه با شورشگری و مواد مخدر که منجر شد کینه این مردم نسبت به دولت را بیشتر بسازد و حمایت از طالبان را تقویت کند.

در نتیجه، آنچه ما در ولسوالی های جنوبی ننگرهار و ساحات صحرایی شمال نهر بغرا میبینیم، جمعیتی در آنجا مستقر اند که به دور از انفعال هستند. کشاورزان متحول شده و در شکل دهی زمینه های بومی، فزیک و اقتصادی نقش داشته اند، زمینه های که با استفاده از تکنالوژی جدید مثل تلفن های موبایل، زنج (وسایط سه چرخه)، چاه ها، علف کش و تخته های آفتابی، زندگی شان را به پیش بردند. در عین حال این کشاورزان در شکل دهی فضای سیاسی نیز نقش داشتند. در برخی از محلات مردم روستایی به جاهای نقل مکان کرده و ساکن شده اند که دولت با توسل به خشونت حاکم نیست. در برخی محلات مردم سلاح برداشته و مخالفت میکنند و به منظور توازن قوا از دولت به مراکز نفوذ محلی، از عوامل مخالف دولت حمایت میکنند.

در چنین وضعیت پیچیده و روزافزون، مردم روستایی در پی ترتیباتی هستند که به بهترین وجه در مطابقت به نیازمندی های آنان باشد، حمایت، درآمد و خدمات از سوی دولت و بخشی عمومی را تا حد ممکن بیشتر سازد و در عین زمان از عوامل مخالف دولت حمایت و حتی آنان را به مقاومت در برابر تلاش های دولت برای مطیع کردن و ناگزیر ساختن مردم، ترغیب میکنند. این دقیقاً نوعی از آمیختگی سیاسی است کشت خشخاش میتواند باعث رونق آن در افغانستان شود که نه توسط دولت و نه هم عوامل مخالف دولت منع و تنظیم شده میتواند. خطر دسته بندی های بیشتر و افزایش کشت خشخاش پس از سال ۲۰۱۴ بدون استثناء بالا به نظر میرسد.

پیشنهادات شما

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان می خواهد تا از پیشنهادات شما بعنوان استفاده کننده گان منابع تحقیقاتی این اداره مستفید شود. شما چه خواننده همیشگی انتشارات ما باشید، چه در یکی از سخنرانی ها و ورکشاپ های این واحد شرکت کرده باشید، چه از کتابخانه استفاده کرده باشید و چه به تازگی با این سازمان آشنا شده باشید، نظرات و پیشنهادات شما برای ما باارزش است. نظر های شما به ما کمک میکند تا هدف خود را به بهترین شکل تعقیب نموده و یافته های کاری خود را به شکل بهتر با خواننده گان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. آسانترین راه برای ارائه پیشنهادات استفاده از این ایمیل آدرس میباشد. areu@areu.org.af

همچنان شما می توانید به این شماره تماس بگیرید ۸۴۵ ۸۰۶ ۹۹۷۰ (+۳۹) و هر نظری دارید، با ما در میان بگذارید. اما برخی اطلاعاتی که به ویژه برای ما سودمند هستند عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات، ...)?
- به چه منظور از پژوهش های واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را دریافت می کنید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده می کنید یا از مجلدات؟
- چگونه این انتشارات می توانند اطلاعات را به نحو بهتری ارائه دهند؟
- نظر شما درباره روند پژوهشی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد های مورد علاقه شما در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما ما چه کارهایی را می توانیم بهتر انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است

۱۳ سال

تحقیق باکیفیت



واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
از چهار راهی حاجی یعقوب به
سمت چهارراهی شهید
(خانه ۱۴۴ (سمت راست) سرک ۳ (سمت چپ
شهر نو، کابل، افغانستان
شماره تماس: ۷۹۹ ۶۰۸ ۵۴۸ (۰) ۰۰۹۳
ایمیل: publications@areu.org.af
وب سایت: www.areu.org.af

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی
افغانستان را میتوانید از صفحه انترنتی
این اداره www.areu.org.af
دریافت نمایید.

همچنان نسخه های چاپی بعضی از
نشریات این اداره را میتوانید از دفتر
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان به
آدرس ذیل بدست آورید.